امام رضا و خدمات فرهنگی

امام رضا علیه السلامروز یازدهم ذیقعدة سال 148 ق. در مدینه متولد شد. نام مادرش «تکتم» بود که بعد از تولد حضرت، از طرف امام کاظم علیه السلامطاهره نام گرفت. نام مادر حضرت را «نجمه» نیز گفته اند. نقش انگشتری آن حضرت «ماشاءالله ولا قوة الاّ بالله» بوده است.

اسم حضرت: علی، کنیه: ابوالحسن الثانی، لقب: رضا، شروع امامت: سال 183 در سن 35 سالگی. مدت امامت: 19 یا 20 سال. فرزندان: دو پسر به نام جوادعلیه السلام فرزند دیگر به نام حسین. رافعی می نویسد: امام رضا علیه السلامدر سفری به قزوین آمده، در خانه داود بن سلیمان مخفی شده است. وی از امام نقل کرده است: «فرزندی از حضرت که دو سال یا کمتر داشته در قزوین مدفون است.» این همان امامزاده حسین است که اکنون در قزوین بارگاهی دارد. به احتمال، این مسافرت در سال 193 ق. مقارن با مرگ رشید صورت گرفته است.[1]

شهادت: امام تا سال 201 ق. در مدینه بود، در رمضان آن سال وارد مرو شده و در سن 55 سالگی، آخر صفر سال 203 ق. به علت خوردن انگور مسموم – به اجبار مأمون – مسموم شده و در طوس به خاک سپرده شد.

خلفای معاصر امام

ده سال از مدت امامت حضرت با هارون الرشید (193 – 1علیه السلام 0 ).

پنج سال با محمد امین پسر هارون (198 – 193).

ده سال با عبدالله مأمون پسر دیگر هارون (218 – 193) که با برادرش جنگید.

امام در حدود 20 سال از مأمون بزرگتر بود.

افکار بیگانه در عصر رضوی

ترجمه آثار علمی بیگانگان از زمان امویان شروع شد و در عصر عباسیان بویژه در زمان هارون و مأمون به اوج خود رسید. (همانگونه که در این زمان وسعت کشور اسلامی به بالاترین حد خود در طول تاریخ رسید) مأمون نامه ای به پادشاه روم نوشت و مجموعه ای از علوم قدیم و آثار ارسطو را درخواست کرد و جمعی از دانشمندان مانند «حجاج بن مطر» و «ابن بطریق» و «سلما» سرپرست «بیت الحکمة» کتابخانه بزرگ بغداد را مأمور ترجمه آنها نمود.

«خالد بن یزید»، طب وشیمی را (می خواست از راه شیمی طلای مصنوعی به دست آورد) «حنین بن اسحاق» بعضی از کتب سقراط و جالینوس را، ابن مقفع، کلیله و دمنه و همین طور کتاب اقلیدس را، به عربی برگرداندند. خود مأمون نیز ترجمه می کرد. یعقوب ابن اسحاق کندی که در طب، فلسفه، حساب، منطق، هندسه و نجوم خبره بود و درتألیفات خود از روش ارسطو پیروی می کرد، بسیاری از کتاب های فلسفه را به عربی برگرداند و مشکلات آن را توضیح داد.

کسانی را به قسطنطنیه فرستاد تا کتاب های کمیاب فلسفه، هندسه، موسیقی و طب را بیاورند. محمد بن موسی خوارزمی – ریاضی دان بزرگ – جبر را از حساب جدا کرد. «دارالحکمه» کتابخانه بزرگی بود که به احتمال قوی هارون آن را بنیانگذاری و مأمون تقویت کرد و همچنان باقی بود تا بغداد به دست مغولان افتاد. آنان که از تمدن و فرهنگ بویی نبرده بودند آن را به آتش کشیدند.

امام رضا علیه السلامو هجوم فرهنگی بیگانه

به دنبال نهضت ترجمه آنچه مایة نگرانی بود اینکه در بین این مترجمان افرادی متعصب و سرسخت از مذاهب دیگر مانند زردشتی، صائبی، نسطوری، برهمنهای هند، رومیان وجود داشتند و این فرصتی بود برای نشر افکار مسموم خود و القاء آن به جوانان و افراد ساده دل و همین طور محتوای خود این کتب نیز می توانست شبهاتی به همراه داشته باشد.

امام رضا علیه السلامبا آگاهی از این خطر و با حضور فعال در جلسات بحثهای علمی که توسط مأمون برگزار می شد، سعی کردند جلو هرگونه انحراف احتمالی را بگیرند و برتری اهل بیت: را نشان دهند.[2]

هدف مأمون از برگزاری بحث های علمی

در اینجا چند عقیده وجود دارد. از جمله:

الف) اینکه هدف محکومیت امام بود. دلیلش اینکه مأمون به «سلیمان مروزی» گفت: هدف من از برگزاری جلسة بحث چیزی جز این نیست که راه را بر او – امام رضا علیه السلامببندی.[3]

شاهد دیگر کلام امام که فرمود: هنگامی که با اهل تورات به توراتشان، با اهل انجیل به انجیل شان، باا هل زبور با زبورشان، با ستاره پرستان به شیوة عبرانیشان، با موبدان به شیوه پارسیشان با رومیان به سبک خودشان استدلال کرده همه را به تصدیق سخن خود وادار کنم، مأمون خواهد فهمید که راه خطا را برگزیده و یقیناً پشیمان خواهد شد.[4]

آنچه این احتمال را تقویت می کند آن است که دربار مأمون تا پیش از شهادت امام، پیوسته محل برگزاری این مناظره ها بود؛ ولی پس از آن دیگر اثری ازاین مجالس علمی و بحث های کلامی دیده نشد. وقتی این محافل در از میان بردن شخصیت امام ناکام ماند، مأمون در اندیشة حذف فیزیکی امام فرورفت و سرانجام ایشان را مسموم ساخت.

ب) مأمون خود، آدم بی فضلی نبود و تمایل داشت به عنوان یک زمامدار عالم در جامعة اسلامی معرفی گردد و مورد توجه قرارگیرد. او شهرت به علم دوستی داشت و فیلسوف خلفای عباسی شناخته می شد.[5]

مناظرات امام با پیروان ادیان

این مناظرات فراوان است و شیخ صدوق در «عیون اخبارالرضا» و علامه مجلسی در جلد 49 بحارالانوار و استاد عزیزالله عطاردی در کتاب مسند الامام الرضا جلد دوم آورده اند مهمترین این مناظرات عبارت است از:

1. مناظره با جاثلیق (این کلمه لقب پیشوای عیسویان بود.)

2. مناظره با رأس الجالوت (این کلمه لقب پیشوای یهود بود.)

3. مناظره با هربز اکبر (این کلمه لقب پیشوای زردشتی بود.)

4. با عمران صائبی (از پیروان حضرت یحییعلیه السلام )

5. با سلیمان مروزی؛ وی عالم بزرگ علم کلام در خطة خراسان بود.

6. علی بن محمد بن جهم؛ ناصبی و دشمن اهل بیت:.

7. مناظره با ارباب مذاهب مختلف در بصره.

تدوین حدیث در عصر امام

امام رضا علیه السلامنیز پیروان و خواص خویش را امر به تدوین علم و احادیث می نمود. در مصادر روایی، کتبی به حضرت نسبت داده شده است و جزء مؤلفات حضرت آورده اند از جمله:

صحیفة الرضا علیه السلام

این کتاب را «مسند الامام الرضا» نیز نامیده اند و بسیاری از رواة فریقین این را نقل نموده و در بعضی از مصادر، اسامی بعضی از رواة آن آمده است و نسخه های متعدد از آن در «صنعاء» و در «قم» تحت عنوان «کتاب ابن ابی الجعد» که کنیة «احمد بن عامر بن سلیمان الطائی» است، در تهران و مشهد وجود دارد.[6]

الرسالة الذهبیة

رساله ای در مسائل طبّی که امام به درخواست مأمون نوشته است و مأمون دستور داد آن را با آب طلا بنویسند. لذا رساله ذهبیه نامیده شد.[7]

مجالس الرضا علیه السلام مع اهل الایمان

مأمون مجالس علمی و مناظرات دینی و علمی بین امام و علماء ادیان دیگر برقرار می نمود. امامعلیه السلام نیز فرصت را غنیمت شمرده و حقانیت، تشیع و اسلام را به اثبات می رساند و اعتقادات دیگران را با استدلال رد می نمود که بعداً یکی از پیروان امام آن مجالس را گردآوری نمود. نجاشی می گوید: «حسین بن محمد بن الفضل... ابو محمد شیخ من الهاشمیین، ثقة، ... صنّف مجالس الرضا علیه السلاممع اهل الادیان.»

امالی الامام الرضا علیه السلام

این صحیفه را «ابوالحسن علی بن علی الخزاعی» برادر شاعر بزرگ شیعی یعنی دعبل خزاعی نقل کرده است. شیخ طوسی به همین سند از این کتاب روایت نقل نموده است.

محقق بزرگوار سید محمد رضا جلالی حسینی احتمال داده است که این همان کتابی باشد که نجاشی آن را ذکر کرده است. در مقدمه المعجم المفهرس الالفاظ احادیث البحار 20 مورد از تألیفات امام رضا علیه السلام را نام می برد.[8]

کتاب الاهلیلجة

علامة سید محسن امین فرمود: «فیه حجج بالغة و مطالب جلیلة فی علم الکلام»کتب دیگری نیز برای امام شمرده اند که عبارت است از: کتابی که وریزة بن محمد روایت کرده. کتابی به روایت علی بن مهدی، نسخه متبوعة بزرگی به روایت محمد بن عبدالله و نسخه های دیگر و «مسائل» به روایت معاویة بن سعید و «مسائل» به روایت حسن بن علی الوشاء و مسائل و کتب دیگری که در مجموع به بیست نسخه می رسد.

البته برخی در صحت انتساب این کتب به امام تردید کرده اند از جمله: دکتر مجید معارف می گوید: «برخی از محققان آثاری به امام نسبت داده اند، از جمله: فقه رضوی، رساله ذهبیه در طب، رسالة محض الاسلام، پاسخ به مسائل ابن سنان و کتاب علل ابن شاذان که انتساب آنها مورد تردید است. » و در این بارة ارجاع داده است به تحلیلی از زندگانی امام رضا علیه السلاماز محمد جواد فضل الله، معرفة الحدیث محمد باقر بهبودی، سیرة الائمّه هاشم معروف حسنی و مجموعه آثار نخستین کنگره امام رضا علیه السلام. وی می گوید: آنچه به آنان منتسب گردیده نوعاً از مجعولات غلات می باشد. زیرا شرایط امامان اجازه این امور را به آنان نمی داده است.[9]

شاگردان امام رضا علیه السلام و تدوین حدیث

ایت الله العظمی بروجردی1در کتاب جامع الاحادیث می فرماید:

«ان عدد الکتب التی جمعت احادیث الشیعه فی زمان الامام الثامنعلیه السلام وصل الی الاربعمأئة، ثم قام جمع من فضلاء اصحاب الطبقة السادسة من اصحاب الامام الرضا علیه السلام فی جمیع هذه الاحادیث الشریفة المتفرقة فی تلک الکتب ثم جمع تلامذتهم الاجلاء من امثال علی بن مهزیار الاهوازی والحسین ابن سعید الاهوازی تلک الاحادیث فی کتابین فکانا مرجعاً لعلماء الشیعة حتی قام ثقة الاسلام کلینی فی تألیف کتابه «الکافی» و الشیخ الصدوق فی کتابه «من لایحضره الفقیه» و الشیخ الطوسی فی کتابه «التهذیب» و «الاستبصار» و بهذا قد جمعت فی هذه الکتب الابعة الجوامع الحدیثیه الاولیة والثانویة باحسن وجه فکانت مرجعاً لعلماء الشیعة فی تلک الاعصار و الامصار و لان جمیع احادیث تلک الاصول اجتمعت فی هذه الکتب الاربعة، قلت المراجعة لتلک الاصول تدریجیاً حتی ترکت.»[10]

در زمان امام رضا علیه السلام علیه السلام علیه السلام نفر از اصحاب امامعلیه السلام 20علیه السلام کتاب حدیثی تألیف کرده اند. از جملة آنان می توان از حسین بن سعید (30 کتاب)، صفوان بن یحیی (16 کتاب) و محمد بن عمر الواقدی (28 کتاب) و موسی بن القاسم (15 کتاب) نام برد. شیخ طوسی آمار رجال امام را به 318 راوی رسانده است.[11]

پی نوشت ها:

1. حیات فکری و سیاسی، ص 426.

2. سیره پیشوایان، ص 509.

3. سیره، ص 512 و 513.

4. همان.

5. حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص 483.

6. مقدمه المعجم المفهرس، ص 44.

7. اعیان الشیعه، ج 2، ص 26. وی می گوید: «له مؤلفان کثیره» بعد هفت مورد را نام می برد.

8. مقدمه المعجم المفهرس، ص 44 و 45.

9. تاریخ عمومی حدیث .... و مجموعه معارف، ص 313 – 314.

10. مستدرکات علم رجال الحدیث، ج 1، ص 13.

11. دروس فی نصوص الحدیثیة، مهریزی، ص 91.